

بررسی مشکلات رفتاری دانش آموزان ابتدایی و نقش معلم در مدیریت آن‌ها

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۱۲/۱۲)

فهیمة لطفی

مهناز حیدری

پروین سعیدی کیا

چکیده

مسئولیت‌پذیری دانش آموزان، یکی از مهم‌ترین مهارت‌های اجتماعی و تربیتی در دوره ابتدایی است که تأثیر مستقیم بر یادگیری، تعاملات اجتماعی و نظم کلاس دارد. یادگیری مشارکتی به عنوان یکی از روش‌های فعال آموزشی، دانش آموزان را تشویق می‌کند تا در گروه‌های کوچک فعالیت کنند، وظایف خود و دیگران را برعهده بگیرند و رفتارهای مسئولانه از خود نشان دهند. هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش یادگیری مشارکتی در تقویت مسئولیت‌پذیری دانش آموزان ابتدایی و تحلیل اثر مدیریت معلم بر این فرآیند بود.

پژوهش از نوع همبستگی-توصیفی و کاربردی بود و جامعه آماری شامل دانش آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی استان کرمانشاه بود. نمونه‌ای ۸۰ نفره به روش هدفمند و خوشه‌ای انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه مسئولیت‌پذیری، چک‌لیست مشاهده رفتارهای گروهی و مصاحبه با معلمان بود. داده‌های کمی با استفاده از آمار توصیفی، همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده تحلیل شدند و داده‌های کیفی با تحلیل محتوا بررسی گردید.

یافته‌ها نشان داد که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان دارد ($r = ۰.۶۳, p < ۰.۰۱$) و حدود ۳۹ درصد تغییرات مسئولیت‌پذیری با یادگیری مشارکتی قابل پیش‌بینی است. مشاهدات و مصاحبه‌ها نشان داد که نقش فعال معلم در هدایت گروه‌ها، تقسیم نقش‌ها و ارائه بازخورد مستمر، عامل کلیدی در تقویت رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان است. پژوهش حاضر نشان داد که ترکیب یادگیری مشارکتی با مدیریت مؤثر معلم، رویکردی کارآمد برای ارتقای مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی است و می‌تواند محیط یادگیری منظم، حمایتگر و انگیزه‌بخش ایجاد کند. نتایج پژوهش کاربردهای مهمی برای معلمان و مدیران مدارس دارد و پیشنهاد می‌کند که فعالیت‌های گروهی هدفمند و روش‌های مدیریت مؤثر کلاس در برنامه‌های آموزشی مدارس ابتدایی مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: یادگیری مشارکتی، مسئولیت‌پذیری، مدیریت کلاس، دانش‌آموزان ابتدایی، رفتار مسئولانه، معلم

مقدمه

رفتارهای دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت یاددهی-یادگیری و فضای آموزشی کلاس به شمار می‌رود. دانش‌آموزان ابتدایی در حال شکل‌دهی مهارت‌های اجتماعی، خودکنترلی و پاسخ‌گویی به قوانین مدرسه هستند و مشکلات رفتاری در این مرحله می‌تواند اثر منفی بر یادگیری، تعاملات اجتماعی و سلامت روانی آنان داشته باشد.

مدیریت بهینه رفتارهای دانش آموزان، به ویژه در پایه‌های ابتدایی، اهمیت فراوانی دارد، زیرا این دوران، بستر شکل‌گیری شخصیت و عادات تحصیلی دانش آموزان است (احمدی، ۱۳۹۸). مشکلات رفتاری شامل بی‌توجهی، پرخاشگری، نافرمانی، اختلال در نظم کلاس، اجتناب از تکالیف و کاهش انگیزه تحصیلی است. چنین رفتارهایی می‌توانند موجب اختلال در روند تدریس، کاهش بهره‌وری کلاس و فشار روانی معلمان شوند و در صورت عدم مدیریت صحیح، اثرات بلندمدت منفی بر رشد تحصیلی و اجتماعی دانش آموزان بر جای گذارند. در این زمینه، نقش معلم به عنوان هدایتگر و مدیریت‌کننده رفتارهای کلاسی بسیار حیاتی است. معلمان با به کارگیری استراتژی‌های مدیریت کلاس، ایجاد محیط یادگیری حمایتی و استفاده از روش‌های رفتاردرمانی و تقویت رفتارهای مطلوب می‌توانند مشکلات رفتاری دانش آموزان را کاهش داده و یادگیری مؤثر را تضمین کنند (حسینی، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت موضوع، پژوهش‌های موجود در ایران عمدتاً به شناسایی رفتارهای مشکل‌ساز بسنده کرده‌اند و کمتر به بررسی نظام‌مند نقش معلم در مدیریت آن‌ها پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، هنوز مطالعه جامعی که به تحلیل مشکلات رفتاری و ارائه راهکارهای علمی و کاربردی مدیریت آن‌ها توسط معلمان بپردازد، محدود است. این خلأ پژوهشی، ضرورت انجام مطالعه‌ای عملی و علمی را برجسته می‌کند که هم ماهیت مشکلات رفتاری دانش آموزان ابتدایی را شناسایی کند و هم استراتژی‌ها و نقش معلم در مدیریت مؤثر این رفتارها را بررسی نماید.

هدف کلی پژوهش حاضر، بررسی مشکلات رفتاری دانش آموزان دوره ابتدایی و تحلیل نقش معلم در مدیریت آن‌ها است تا با ارائه راهکارهای کاربردی و علمی، محیط یادگیری منظم،

حمایتگر و مؤثر برای دانش‌آموزان فراهم شود و همزمان توانمندی‌های مدیریتی و تدریسی معلمان افزایش یابد.

بیان مسئله

یکی از چالش‌های اساسی در مدارس ابتدایی، ظهور و تداوم رفتارهای مشکل‌ساز در دانش‌آموزان است که می‌تواند فرآیند یاددهی-یادگیری، نظم کلاس و سلامت روانی دانش‌آموزان و معلمان را تحت تأثیر قرار دهد. این رفتارها شامل بی‌توجهی به قوانین کلاس، نافرمانی، پرخاشگری، اجتناب از انجام تکالیف، مزاحمت برای همسالان و اختلال در فعالیت‌های گروهی می‌شود و اغلب در کلاس‌های پرجمعیت یا مدارس با منابع محدود شدت بیشتری پیدا می‌کنند. پیامدهای چنین رفتارهایی، کاهش کیفیت یادگیری، انگیزه تحصیلی و تعاملات اجتماعی دانش‌آموزان و افزایش استرس و فشار روانی معلمان است.

با وجود اهمیت موضوع، بررسی‌های انجام شده در مدارس ایران نشان می‌دهد که مدیریت رفتارهای دانش‌آموزان هنوز به شکل نظام‌مند و علمی انجام نمی‌شود. بسیاری از معلمان به روش‌های سنتی، واکنشی و اغلب تنبیهی برای کنترل رفتارهای نامطلوب تکیه دارند و کمتر به پیشگیری، هدایت رفتارهای مثبت و تقویت مهارت‌های مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان توجه می‌کنند. این رویکرد محدود، باعث تداوم مشکلات رفتاری و کاهش کیفیت محیط کلاس می‌شود و فرصت ایجاد یک فضای یادگیری حمایتگر، منظم و انگیزه‌بخش را از بین می‌برد.

از سوی دیگر، فقدان پژوهش‌های علمی جامع و کاربردی در حوزه مدیریت رفتارهای دانش‌آموزان ابتدایی، به ویژه بررسی نقش فعال و مؤثر معلم در کنترل و هدایت رفتارهای دانش‌آموزان، یک خلأ پژوهشی قابل توجه ایجاد کرده است. این نقص باعث می‌شود که بسیاری از راهکارهای مدیریتی در مدارس غیرسیستماتیک و تجربی باشد و تأثیرگذاری آن‌ها

بر مسئولیت‌پذیری، خودکنترلی و رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان به طور دقیق شناخته نشده باشد.

پژوهش حاضر بر آن است تا مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی را شناسایی کرده و نقش معلم در مدیریت آن‌ها را به صورت علمی تحلیل نماید. مسئله اصلی پژوهش این است که:

چه مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان ابتدایی وجود دارد و معلمان چگونه می‌توانند با استفاده از روش‌های علمی مدیریت کلاس و راهکارهای تربیتی، این رفتارها را کنترل و هدایت کنند؟ پاسخ به این سؤال علاوه بر تأثیر مستقیم بر بهبود کیفیت یاددهی-یادگیری و ارتقای مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان، می‌تواند راهبردهای عملی و کاربردی برای معلمان و مدیران مدارس فراهم کند، محیط کلاس را حمایتگر، منظم و انگیزه‌بخش نماید و به کاهش رفتارهای مشکل‌ساز و ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان منجر شود.

همچنین، پژوهش حاضر با تمرکز بر نقش فعال معلم در هدایت و کنترل رفتارهای دانش‌آموزان، تلاش می‌کند یک چارچوب علمی و کاربردی برای مدیریت کلاس‌های ابتدایی در ایران ارائه دهد و خلأ موجود در مطالعات پیشین را پر کند. از این رو، اهمیت پژوهش نه تنها از جنبه تربیتی و آموزشی بلکه از نظر کاربردی و پژوهشی نیز قابل توجه است، زیرا می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری و طراحی برنامه‌های آموزشی برای ارتقای رفتار مسئولانه دانش‌آموزان را فراهم نماید.

اهمیت و ضرورت پژوهش

۱- اهمیت تربیتی و آموزشی

مشکلات رفتاری دانش آموزان در دوره ابتدایی می تواند فرآیند یاددهی-یادگیری، نظم کلاس و کیفیت آموزش را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. این رفتارها، علاوه بر کاهش تمرکز و انگیزه تحصیلی دانش آموزان، باعث اختلال در فعالیت های گروهی و تعاملات اجتماعی آنان می شوند. مدیریت صحیح رفتارهای دانش آموزان از طریق روش های علمی و مؤثر، زمینه پرورش مهارت های اجتماعی، خودکنترلی و مسئولیت پذیری دانش آموزان را فراهم می کند و محیطی سالم و حمایتگر برای یادگیری ایجاد می کند. از این رو، بررسی مشکلات رفتاری و نقش معلم در مدیریت آن ها اهمیت بالایی در بهبود کیفیت یادگیری و تربیت کودکان دارد.

۲- اهمیت علمی و پژوهشی

با وجود تحقیقات متعدد در زمینه مشکلات رفتاری کودکان و تکنیک های مدیریت کلاس، پژوهش های نظام مند و جامع درباره مشکلات رفتاری دانش آموزان ابتدایی و اثر مدیریت معلم بر کنترل آن ها در ایران محدود است. بیشتر مطالعات به شناسایی رفتارهای مشکل ساز بسنده کرده و کمتر به ارزیابی تأثیر استراتژی های مدیریتی معلمان و ارائه راهکارهای عملی پرداخته اند. این پژوهش، با تمرکز بر تحلیل علمی رفتارهای مشکل ساز و نقش مستقیم معلم در مدیریت آن ها، خلأ پژوهشی موجود را پر کرده و می تواند به گسترش دانش علمی در حوزه روانشناسی تربیتی و مدیریت کلاس کمک کند.

۳- اهمیت کاربردی برای معلمان

نتایج این پژوهش می تواند راهبردهای عملی برای معلمان و مدیران مدارس فراهم کند تا با استفاده از روش های مدیریت کلاس و تکنیک های کنترل رفتار، مشکلات رفتاری

دانش آموزان را پیشگیری و کاهش دهند. همچنین، معلمان می‌توانند محیط کلاس حمایتگر، منظم و انگیزه‌بخش ایجاد کنند و توانمندی‌های مدیریتی و تدریسی خود را ارتقا دهند. از این منظر، یافته‌های پژوهش برای طراحی برنامه‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌افزایی معلمان نیز کاربرد دارد و می‌تواند به بهبود کیفیت فرآیند یاددهی-یادگیری در مدارس ابتدایی منجر شود.

اهداف پژوهش

۱-هدف کلی

هدف کلی پژوهش حاضر، شناسایی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان دوره ابتدایی و تحلیل نقش معلم در مدیریت و هدایت آن‌ها است تا بتوان با ارائه راهکارهای علمی و عملی، محیط یادگیری منظم، حمایتگر و مؤثر برای دانش‌آموزان فراهم آورد و همزمان توانمندی‌های مدیریتی و تدریسی معلمان ارتقا یابد.

۲-اهداف جزئی

۱. بررسی انواع مشکلات رفتاری رایج دانش‌آموزان ابتدایی شامل بی‌توجهی، نافرمانی، پرخاشگری، اختلال در نظم کلاس و اجتناب از انجام تکالیف.
۲. تحلیل شیوع و شدت مشکلات رفتاری در پایه‌های مختلف ابتدایی و تفاوت‌های احتمالی بین دانش‌آموزان.
۳. شناسایی روش‌ها و راهکارهای مورد استفاده معلمان برای مدیریت رفتارهای مشکل‌ساز در کلاس‌های ابتدایی.
۴. بررسی تأثیر روش‌های مدیریت کلاس و راهکارهای تربیتی معلمان بر کاهش رفتارهای مشکل‌ساز دانش‌آموزان.

۵. ارائه توصیه‌های علمی و کاربردی برای معلمان و مدیران مدارس جهت پیشگیری و کنترل مشکلات رفتاری دانش‌آموزان.
۶. بررسی رابطه بین مدیریت مؤثر معلم و ایجاد محیط یادگیری حمایتگر و منظم برای افزایش بهره‌وری کلاس و تقویت مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان.

چارچوب نظری پژوهش

۱- مبانی نظری یادگیری مشارکتی

یادگیری مشارکتی یکی از روش‌های فعال آموزشی است که در آن دانش‌آموزان به صورت گروهی فعالیت می‌کنند، مسئولیت یادگیری خود و دیگران را برعهده می‌گیرند و با تعامل مستمر، اطلاعات و مهارت‌ها را به اشتراک می‌گذارند (ویگوتسکی، ۱۳۷۷؛ احمدی، ۱۳۹۸). این روش بر اصل همکاری، تعامل و تقسیم نقش‌ها تأکید دارد و موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی، خودنظمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان می‌شود.

تعریف مسئولیت‌پذیری

مسئولیت‌پذیری به معنای توانایی دانش‌آموزان در انجام وظایف فردی و گروهی، رعایت قوانین کلاس و پاسخ‌گویی به پیامدهای رفتار خود است (حسینی، ۱۳۹۹). دانش‌آموز مسئول، وظایف محوله را به موقع و با دقت انجام می‌دهد، در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال دارد و رفتارهای نامطلوب را به حداقل می‌رساند.

۲- نظریه‌ها و دیدگاه‌های مرتبط

۱. نظریه یادگیری اجتماعی (Bandura): این نظریه بیان می‌کند که رفتار دانش‌آموزان از طریق مشاهده و الگوبرداری از معلم و همسالان شکل می‌گیرد.

یادگیری مشارکتی، فرصت الگوگیری و تعامل مؤثر بین دانش آموزان را فراهم می کند و رفتار مسئولانه را تقویت می کند.

۲. نظریه شرطی سازی رفتار: (Skinner) رفتارهای مطلوب از طریق تقویت مثبت و

رفتارهای نامطلوب از طریق بازخورد اصلاحی مدیریت می شوند. معلمان می توانند با ارائه بازخورد مستمر و تشویق دانش آموزان، رفتارهای مسئولانه را تقویت کنند.

۳. نظریه مدیریت کلاس: (Glasser) تأکید بر ایجاد محیط کلاس منظم، حمایتی و

مشارکتی دارد. این نظریه نشان می دهد که نظم کلاس و محیط حمایتگر، رفتارهای مشکل ساز را کاهش داده و مسئولیت پذیری دانش آموزان را افزایش می دهد.

۳- پیوند منطقی متغیرها

بر اساس مبانی نظری فوق، یادگیری مشارکتی (متغیر مستقل) می تواند مسئولیت پذیری دانش آموزان (متغیر وابسته) را تقویت کند. فعالیت های گروهی، تقسیم نقش ها و بازخورد مستمر معلم، رفتارهای مسئولانه و خودنظمی دانش آموزان را افزایش می دهد. به عبارت دیگر، معلم با هدایت فرآیند یادگیری مشارکتی و مدیریت مؤثر کلاس، نقش کلیدی در تقویت مسئولیت پذیری دارد و این پیوند منطقی، اساس پژوهش حاضر را تشکیل می دهد.

مرور پژوهش های پیشین

پژوهش های داخلی متعددی به بررسی نقش یادگیری مشارکتی و تأثیر آن بر رفتارهای مسئولانه و مهارت های اجتماعی دانش آموزان پرداخته اند. تحلیل این مطالعات نشان می دهد که استفاده از فعالیت های گروهی و مشارکتی در کلاس های ابتدایی می تواند مسئولیت پذیری، خودنظمی و مشارکت اجتماعی دانش آموزان را افزایش دهد.

احمدی (۱۳۹۸) در پژوهشی با موضوع «تأثیر یادگیری مشارکتی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان ابتدایی» نشان داد که دانش آموزانی که در فعالیت های گروهی مشارکت فعال داشتند، توانایی بیشتری در انجام وظایف فردی و گروهی و رعایت مقررات کلاس از خود نشان دادند. این مطالعه بر اهمیت تعامل مستقیم دانش آموزان و تقسیم نقش ها در گروه های کوچک تأکید دارد و یافته های آن با نتایج پژوهش حاضر همسو است.

حسینی (۱۳۹۹) به بررسی رابطه میان یادگیری مشارکتی و مهارت های اجتماعی پرداخت و دریافت که فعالیت های گروهی باعث ارتقای همدلی، همکاری و مسئولیت پذیری دانش آموزان می شود. این پژوهش نشان می دهد که ارتباط فعال دانش آموزان با همسالان و معلم نقش مهمی در کاهش رفتارهای نامطلوب دارد و اهمیت نقش معلم در هدایت فرآیند یادگیری را برجسته می کند.

رضایی و موسوی (۱۴۰۰) در مطالعه ای کاربردی، اثر یادگیری گروهی را بر مسئولیت پذیری و تعهد تحصیلی دانش آموزان بررسی کردند. یافته ها نشان داد که استفاده از تکنیک های مشارکتی و تقسیم وظایف در گروه ها، توانایی دانش آموزان در مدیریت مسئولیت های فردی و جمعی را بهبود می بخشد. این مطالعه علاوه بر تأیید یافته های پژوهش های پیشین، جنبه کاربردی و اجرایی فعالیت های مشارکتی در مدارس ابتدایی را مورد توجه قرار داده است.

کریمی و محمدی (۱۴۰۱) نشان دادند که یادگیری مشارکتی می‌تواند رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان را در فعالیت‌های گروهی و کلاس‌های درس تقویت کند. این مطالعه بر اثر مستقیم تعاملات گروهی و هدایت معلم در شکل‌دهی رفتار مسئولانه تأکید دارد و نشان می‌دهد که نقش معلم در مدیریت کلاس، مکمل یادگیری مشارکتی است.

موسوی (۱۳۹۷) در پژوهشی مشابه دریافت که فعالیت‌های گروهی و تقسیم نقش‌ها در کلاس، میزان رفتارهای نافرمانی و پرخاشگری را کاهش می‌دهد و موجب افزایش تعهد دانش‌آموزان به انجام وظایف و مسئولیت‌های خود می‌شود. یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق حاضر هم‌راستا است و نشان می‌دهد که مدیریت مؤثر معلم و برنامه‌ریزی فعالیت‌های گروهی، عامل اصلی ارتقای مسئولیت‌پذیری است.

با تحلیل مطالعات فوق، می‌توان گفت که تمام پژوهش‌ها بر اثر مثبت یادگیری مشارکتی بر مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان تأکید دارند. تفاوت اصلی پژوهش حاضر با مطالعات پیشین، تمرکز همزمان بر شناسایی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان و نقش فعال معلم در مدیریت این رفتارها است. همچنین، این پژوهش با ترکیب روش‌های کمی و کیفی تلاش می‌کند تا اثر یادگیری مشارکتی و مدیریت معلم بر مسئولیت‌پذیری و نظم کلاس به شکل جامع و کاربردی مورد بررسی قرار گیرد.

روش‌شناسی پژوهش

۱- نوع پژوهش

این پژوهش از نوع همبستگی-توصیفی و کاربردی است. هدف آن، بررسی رابطه یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی و تحلیل نقش معلم در مدیریت رفتارهای دانش‌آموزان می‌باشد. روش پژوهش ترکیبی است و از رویکرد کمی برای سنجش شدت و

همبستگی متغیرها و از رویکرد کیفی برای تحلیل عمیق رفتارها و نقش معلم استفاده شده است.

۲- جامعه و نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم مدارس ابتدایی استان کرمانشاه است. با توجه به محدودیت منابع و امکان دسترسی، نمونه‌ای ۸۰ نفره به روش نمونه‌گیری هدفمند و خوشه‌ای انتخاب شد. نمونه شامل دانش‌آموزانی بود که در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال داشتند و معلم آن‌ها آماده همکاری برای جمع‌آوری داده‌ها بود.

۳- ابزار گردآوری داده‌ها

داده‌های پژوهش با استفاده از ابزارهای متنوع گردآوری شد:

۱. پرسشنامه مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان: شامل ۲۰ سؤال با مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای

(کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) جهت سنجش مسئولیت‌پذیری فردی و گروهی.

۲. چک‌لیست مشاهده فعالیت‌های گروهی: جهت ثبت رفتارهای مسئولانه و نامطلوب

دانش‌آموزان در کلاس.

۳. مصاحبه با معلمان: برای شناسایی استراتژی‌های مدیریت کلاس و نظرات معلمان

درباره رفتارهای مشکل‌ساز دانش‌آموزان.

۴- روش تحلیل داده‌ها

۱. داده‌های کمی: با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار، فراوانی)،

همبستگی پیرسون و رگرسیون ساده تحلیل شدند تا رابطه یادگیری مشارکتی با

مسئولیت‌پذیری مشخص شود.

۲. داده‌های کیفی: با استفاده از تحلیل محتوا (Content Analysis) بررسی شدند

تا الگوها، رفتارهای مسئولانه و نقش معلم در مدیریت کلاس استخراج شود. این روش‌شناسی به پژوهش امکان می‌دهد که به طور همزمان اثر یادگیری مشارکتی و نقش مدیریت معلم بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را شناسایی کرده و یافته‌ها به شکل جامع و علمی ارائه شوند.

بررسی یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های کمی و کیفی به دست آمده و به دو بخش اصلی تقسیم می‌شود:

۱. یافته‌های کمی

- میانگین نمره مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در پرسشنامه ۳۸۳ از ۵ بود که نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالای مسئولیت‌پذیری در دانش‌آموزان شرکت‌کننده در فعالیت‌های مشارکتی است.
- تحلیل همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه معناداری بین یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان وجود دارد. ($r = 0.63, p < 0.01$)
- رگرسیون ساده نشان داد که یادگیری مشارکتی توانایی پیش‌بینی ۳۹ درصد تغییرات مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را دارد.

۲. یافته‌های کیفی

- مشاهدات کلاس نشان داد که دانش‌آموزان فعال در فعالیت‌های گروهی، وظایف فردی و گروهی را دقیق‌تر انجام می‌دهند و قواعد و مقررات کلاس را بهتر رعایت می‌کنند.

- مصاحبه با معلمان نشان داد که استفاده از تقسیم نقش‌ها، هدایت گروه‌ها و ارائه بازخورد مستمر، موجب افزایش مشارکت و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان می‌شود.
- رفتارهای نامطلوب مانند بی‌توجهی و نافرمانی در دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی کمتر مشارکت داشتند بیشتر مشاهده شد.

جمع‌بندی یافته‌ها

۱. یادگیری مشارکتی به طور مستقیم با مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ارتباط مثبت دارد.
۲. دانش‌آموزانی که در محیط‌های مشارکتی فعال هستند، مهارت‌های اجتماعی و مسئولیت‌پذیری بالاتری از خود نشان می‌دهند.
۳. نقش معلم در هدایت، سازماندهی و ارائه بازخورد، عامل کلیدی در تقویت رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان است.

بحث و تفسیر یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان داد که یادگیری مشارکتی تأثیر مثبت و معناداری بر مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی دارد. دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های گروهی مشارکت فعال داشتند، توانایی بیشتری در انجام وظایف فردی و گروهی، رعایت مقررات کلاس و پاسخ‌گویی به پیامدهای رفتار خود نشان دادند. این نتایج تأیید می‌کند که فعالیت‌های مشارکتی علاوه بر ارتقای مهارت‌های تحصیلی، موجب تقویت مهارت‌های اجتماعی و خودنظمی دانش‌آموزان نیز می‌شوند.

تحلیل تربیتی یافته‌ها

از منظر تربیتی، یافته‌ها نشان می‌دهند که معلمان با ایجاد محیط یادگیری مشارکتی، تقسیم نقش‌ها و هدایت فعالیت‌های گروهی، می‌توانند مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان را افزایش دهند. این مسئله اهمیت طراحی فعالیت‌های گروهی هدفمند، تقویت همکاری و مهارت‌های اجتماعی، و ارائه بازخورد مثبت و مستمر را برجسته می‌کند. همچنین، نتایج نشان می‌دهند که توجه به نقش فعال معلم در مدیریت کلاس، موجب کاهش رفتارهای مشکل‌ساز و ایجاد فضای یادگیری حمایتگر و منظم می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که ترکیب یادگیری مشارکتی با مدیریت مؤثر معلم، رویکردی کارآمد برای ارتقای مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان ابتدایی است و می‌تواند اثربخشی فرآیند یاددهی-یادگیری را به شکل چشمگیری افزایش دهد.

پیشنهادهای

الف) پیشنهادهای کاربردی برای معلمان

۱. طراحی فعالیت‌های گروهی هدفمند در کلاس‌های ابتدایی به گونه‌ای که هر دانش‌آموز نقش مشخص و مسئولیت‌پذیر داشته باشد.
۲. استفاده از تقسیم وظایف و پروژه‌های گروهی برای تقویت خودنظمی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان.
۳. ارائه بازخورد مستمر و مثبت به دانش‌آموزان جهت تقویت رفتارهای مسئولانه و کاهش رفتارهای نامطلوب.
۴. ایجاد محیط کلاس حمایتگر و منظم که دانش‌آموزان احساس امنیت و انگیزه برای مشارکت فعال داشته باشند.

۵. تشویق تعامل و همکاری دانش آموزان با همسالان به عنوان یک راهبرد برای ارتقای مهارت های اجتماعی و مسئولیت پذیری.

ب) پیشنهاد برای پژوهش های آینده

۱. بررسی اثر یادگیری مشارکتی بر رفتارهای مسئولانه در سایر پایه های تحصیلی و مقاطع متوسطه.

۲. استفاده از روش های طولی (Longitudinal) برای بررسی اثرات بلندمدت یادگیری مشارکتی بر مسئولیت پذیری دانش آموزان.

۳. مقایسه اثر یادگیری مشارکتی با روش های دیگر مدیریت کلاس و آموزش فعال بر مسئولیت پذیری و مهارت های اجتماعی.

۴. بررسی نقش ویژگی های شخصیتی معلمان و سبک مدیریت کلاس در اثرگذاری یادگیری مشارکتی.

۵. استفاده از روش های ترکیبی کمی و کیفی در پژوهش های آینده برای تحلیل جامع تر رفتارهای دانش آموزان و نقش معلم.

منابع و مآخذ

- احمدی، م. (۱۳۹۸). یادگیری مشارکتی و مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان ابتدایی. تهران: نشر دانش.
- حسینی، س. (۱۳۹۹). مهارت‌های اجتماعی و یادگیری مشارکتی در مدارس ابتدایی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- رضایی، ف.، & موسوی، ن. (۱۴۰۰). تأثیر یادگیری گروهی بر مسئولیت‌پذیری و تعهد تحصیلی دانش‌آموزان. پژوهش‌نامه روانشناسی تربیتی، ۱۵(۳)، ۴۵-۶۵.
- کریمی، ر.، & محمدی، ع. (۱۴۰۱). نقش معلم در مدیریت کلاس و ارتقای رفتارهای مسئولانه دانش‌آموزان. فصلنامه علوم تربیتی، ۲۱(۲)، ۵۷-۷۸.
- موسوی، ل. (۱۳۹۷). اثر فعالیت‌های گروهی بر کاهش رفتارهای نافرمانی و پرخاشگری دانش‌آموزان ابتدایی. مجله روانشناسی و آموزش، ۱۲(۱)، ۱۲-۳۵.
- ویگوتسکی، ل. (۱۳۷۷). نظریه‌های یادگیری و رشد شناختی در کودکان. تهران: انتشارات رشد.